پرونده
بخش دوم

بازخوانی پرونده «ایران - کنترا» در اولین سالگرد مرگ رابرت مک فارلین

ایران-کنترا و تأثیری که بر سرنوشت جنگ گذاشت

عبدالرحمن فتح‌الهی: در ادامه بازخوانی پرونده «ایران-کنترا» با «ایران‌گیت» با سیدمحمدمهدی دزفولی، نگاهی داشته‌ایم به چگونگی انجام مذاکرات کانال ۲ و همچنین نحوه افشای گفت‌وگوهای انجام‌شده تهران - واشنگتن و سفر رابرت مک فارلین به ایران که در نشریه الشراع لبنان رسانه‌ای شد؛ اما در ادامه این گپ‌وگفت فراتر از مرور تاریخی به یکی از مهم‌ترین و شاید پرچالش‌ترین مباحث این پرونده (ایران-کنترا) ورود کرده‌ایم و به بررسی تحلیلی-تاریخی تأثیر مذاکرات پشت پرده ایران و آمریکا، انجام معاملات تسلیحاتی و همچنین افشای آن بر معادلات جنگ تحمیلی پرداخته‌ایم. به هر حال با توجه به تحریم تسلیحاتی گسترده ایران در زمان جنگ یکی از راه‌های تهیه سلاح روی آوردن به واسطه‌ها و دلالان بین‌المللی اسلحه بود که این افراد در پیوند دادن مسئله کروگان‌های آمریکایی با تهیه سلاح برای ایران نقش داشتند. از این منظر طبیعی بر این باورند که مذاکرات صورت‌گرفته برای تأمین سلاح از جانب ایران در آن برهه حساس، حتی از طریق ایالات متحده هم توجیه‌پذیر و حتی اقدامی هوشمندانه بوده است و پیرو آن تأکید دارند که اگر ماجرای مذاکرات تهران-واشنگتن و انجام معاملات تسلیحاتی به دلیل اختلافات داخلی در ایران افشا نمی‌شد، ورق جنگ به نفع جمهوری اسلامی ایران برمی‌گشت؛ کمااینکه در همین راستا محسن کنگرلو و اکبر هاشمی‌رفسنجانی از «فتح‌الفتوح» در صورت ادامه مذاکرات می‌گویند. در مقابل برخی معتقدند اساسا این مذاکرات و محموله‌های تسلیحاتی داده‌شده به تهران کمک جدی به ارتقای توان نظامی و برتری میدانی ایران در جبهه‌های جنگ نکرد و اتفاقا افشای این مذاکرات و رسانه‌ای‌شدن سفر رابرت مک فارلین به تهران سبب شد معادلات جنگ به ضرر ایران تمام شود. تا جایی که این طیف، پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ از سوی ایران از روی ناچاری را به دلیل تبعات افشای پرونده «ایران-کنترا» می‌دانند؛ اما اینکه کدام طیف نگاهی نزدیک به واقعیت دارند و اینکه معاملات تسلیحاتی صورت‌گرفته در کانال ۱ و ۲ چگونه تاثیر روی معادلات جنگ داشته است، همیشه در حاله‌ای از ابهام ذیل تقابل این دو جریان قرار دارد. فارغ از اینکه ادعای کدام طیف درست یا غلط است و اساسا می‌توان در بستر تاریخ، امری را «درست» یا «غلط» تلقی کرد، دراین‌بین آنچه باید همواره ملاک نظر و توجه باشد، این است که هر اتفاق و موضوعی باید در ظرف زمانی و مکانی خود بررسی شود؛ از این رو با بازخوانی و تحلیل تاریخی این مسئله از هر منظری و با هر عینک سیاسی نمی‌تواند ملاک متقنی برای یک قضاوت عادلانه باشد. با در نظرگرفتن نکته فوق، «شرق» هم به دور از هرگونه قضاوت سیاسی، صرفا بازخوانی و تحلیل تاریخی از تأثیر مذاکرات ایران و آمریکا و معاملات تسلیحاتی انجام‌شده بر معادلات جنگ تحمیلی دارد که در ادامه از نظر می‌گذرانید.

◆ **زمانی که در حال انجام تحقیقات و ساخت مستند «قماره» بودید، حسن روحانی رئیس‌جمهور بود و به دلیل مشغله و همچنین بُعد حقوقی مقام ریاست‌جمهوری بعید بود این گفت‌وگو را انجام دهد. اما اکنون هیچ‌گونه مسئولیتی در هیچ رده‌ای ندارد و چیزی که زیاد دارد، وقت است. چرا اکنون با روحانی گفت‌وگو نمی‌کنید؟**

به ما که وقت گفت‌وگو نمی‌دهد. شاید با شما و روزنامه «شرق» این گفت‌وگو را انجام دهد. ما هم بسیار خوشحال می‌شویم که بالاخره بفهمیم حسن روحانی درخصوص پرونده «ایران - کنترا» و مذاکرات با سک‌فارلین و مذاکرات کانال دوم چه نقشی داشته است. البته این عدم پاسخ‌گویی مختص روحانی نیست. دیگر افراد مانند محسن رضایی و حتی فریدون وردی‌نژاد به عنوان چهره‌های مذاکرات کانال دوم حاضر به روشنگری نیستند و در این باره نه خاطره‌نگاری کرده‌اند و نه حاضر به گفت‌وگو و مصاحبه شده‌اند. به‌جز علی هاشمی که در مقاطعی چند مصاحبه انجام داده است و جسته‌وگریخته مسائلی را درباره مذاکرات کانال ۲ عنوان کرده‌اند. واقعا ما به‌جز خاطرات، روایات، موضع‌گیری‌ها و برخی نقل‌قول‌های داخلی و نیز اسناد آمریکایی‌ها هیچ نکته‌ای از فریدون وردی‌نژاد و حسن روحانی درباره مذاکرات کانال دوم نداریم.

◆ **حتی درباره مذاکرات کانال ۱ هم شاهد سکوت این افراد هستیم. چون وردی‌نژاد و روحانی در چوبه مشترک در مذاکرات کانال ۱ و ۲ هستند.**

بله. همین‌طور است. من نمی‌گویم حتما حسن روحانی باید روایت ما را بپذیرد و تایید کند که مذاکراتی با سک‌فارلین و دیگر مقامات آمریکایی داشته است. اما بالاخره نمی‌شود هم مقامات دولت و هم مقامات آمریکایی و اسناد منتشرشده به‌طور مرتب از حسن روحانی، فریدون وردی‌نژاد، محسن رضایی و دیگر افراد نام ببرد اما اینها فقط دست به کیسه بزنند. به قول شما تکذیب که حتیت نیست. باید به شکل حقوقی و دقیق برای ما روشن کنند چه اتفاقی در سال‌های ۶۴ و ۶۵ افتاده است؟!

◆ **وقتی مجموعه گفته‌هایتان درباره مذاکرات کانال ۲ را کنار هم می‌گذارم، به یک تناقض می‌رسم. آیا برخلاف آنچه در مباحثه با محمد تقرشی عنوان کردید، امام در جریان مذاکرات کانال ۱ و ۲ نبوده است؟**

اولا اگر روایت من متناقض یا مبهم است، تقصیر من نیست. واقعا روایت مقامات داخلی درباره پرونده ایران - کنترا و سک‌فارلین پر از ابهام، تناقض و نقاط تاریک است. برخلاف آمریکایی‌ها که کتاب‌های متعدد، مستندهای فراوان و اسناد منتشرشده در زمینه پرونده را منتشر کرده‌اند و مقامات دُرج‌بعد هم مصاحبه‌های فراوانی درایه‌باره داشته‌اند و بدون هراس از نتایج سیاسی و سوءبرداشت‌ها همه چیز را روشن کرده‌اند، در داخل ایران با هیچ‌چیزی روشن نیست و هنوز «ایران‌گیت در ایران یک جعبه‌سیاه است.» آن‌قدر این پرونده پر از ابهام و تناقض است که حتی برادرزاده و عموی (علی هاشمی و علی‌اصغر هاشمی‌رفسنجانی) هم حرف‌های یکدیگر را نقض می‌کنند. از آن طرف چهره‌های مهم مانند روحانی، وردی‌نژاد، رضایی و... هم صرفا همه‌چیز را تکذیب می‌کنند. پس اینجا من به‌عنوان یک تاریخ‌نویسِ تاریخ معاصر و انقلاب مظلوم نیستم که روایت سک‌فارلین این‌همه سؤال و ابهام را روشن کند و فقط به تکذیب‌کردن بسنده کنند. چون اگر روحانی چیزی نگوید، به اندازه کافی خاطرات و اسناد، هم در داخل کشور و هم در خود آمریکا علیه تکذیب‌های روحانی وجود دارند.

بیشتر اسناد بحث یک جریان سیاسی یا بحث امروز مطرح نیست. مطمئنا ۵۰ سال دیگر یا حتی ۱۰ سال دیگر دخترهایی این موضوع تاریخ‌پژوهان تحقیق خواهند کرد. وقتی ما روایت داخلی نداشته باشیم، قطعا محقق و پژوهشگر مجبور است به روایت آمریکایی بسنده کند. حدود ۶۰ جلد مکالمات کمیته تفر و کمیته سنا چاپ شده است. تنها مقدمه کمیته تفر حدود هزار صفحه است. ویدئوهای بازجویی اعضای این دو کمیته (تفر و سنا) از افرادی که در مذاکرات مک‌فارلین حضور داشتند، آنلین منتشر شده و در یوتیوب وجود دارند. در این طرف مرحوم محسن کنگرلو درباره مذاکرات کانال اول فقط یک بار با همین روزنامه «شرق» و یک بار هم با روزنامه جمهوری اسلامی ایران مصاحبه کرد و یک گفت‌وگوی شفاهی هم با حسن دهباشی دارد. علی هاشمی هم درباره مذاکرات کانال دوم چند مصاحبه انجام داده است. مرحوم هاشمی‌رفسنجانی هم در زمان حیات فقط به کلی‌گویی و خاطره‌نگاری بسنده کرده بود. فریدون وردی‌نژاد هم چیزی نمی‌نویسد. حسن روحانی هم اتفاقا تکذیب می‌کند و محسن رضایی در مصاحبه با خبرگزاری فارس هم چیز را به هاشمی‌رفسنجانی نسبت می‌دهد. خب طبیعی است که همه روایت همان روایت آمریکایی باشد. در این صورت بهترین قضاوت تاریخ این است که بخشی از مقامات ایرانی در اولویت انتشار یا حداقل در اولویت اعلام دیگری، مدیران کلان ایران یا آمریکایی‌ها اتخاذ کنند که بی‌دقتی و بی‌مبالاتی در این مذاکرات سبب شد تهران به نتیجه مطلوب نرسد. این تازه یک قضاوت تاریخی ابتدایی از عملکرد مقامات ایرانی در پرونده ایران‌گیت یا مک‌فارلین خواهد بود. وگرنه قضاوت‌های بدتری هم وجود خواهد داشت.

◆ **وی افشای مذاکرات مک فارلین و مذاکرات کانال ۱ توسط روزنامه الشراع لبنان تمرکزتبعیت به نظرمی‌رسد خود موضوع افشا یک جعبه سیاه دیگر درون جعبه سیاه پرونده ایران - کنترا است که به یک اسم مشخص یعنی سیدمهدی هاشمی می‌رسیم. آیا افشای همین مذاکرات سبب دستگیری سیدمهدی هاشمی شد؟ آیا اساسا سیدمهدی هاشمی چگونه به محتوای مذاکرات پی می‌برد. واقعا روایات را در این باره زیاد است. آیا از طریق برادرش سیدهادی هاشمی (داماد آیت‌الله منتظری) به این موضوع پی می‌برد یا از طریق نامه‌نگاری مستقیم آیت‌الله منتظری به سیدمهدی هاشمی؟ در این صورت چرا اصلا باید آیت‌الله منتظری نامه‌نگاری به سیدمهدی هاشمی داشته باشد. آن هم در آن برهه حساس که سیدمهدی هاشمی پرونده‌های متعددی داشته است. از طرف دیگر علی‌اصغر کیمیایی (از نزدیکان بیت آیت‌الله منتظری) هم آن‌گونه عنوان می‌دارد که بعد از ارسال نامه قربانی‌فر به آیت‌الله منتظری توسط فتح‌الله امید نجف‌آبادی، آیت‌الله منتظری هم نامه قربانی‌فر را به هادی هاشمی داده است. البته گویا سیدهادی هاشمی (داماد آیت‌الله منتظری و برادر سیدمهدی هاشمی) اصرار داشته که نامه قربانی‌فر به هیچ وجه منتشر نشود و به همین دلیل هادی هاشمی نامه را می‌خواند. اما بعد از رؤیت یادنامه قربانی‌فر را به هادی هاشمی تحویل می‌دادند. از طرف دیگر آقای کیمیایی عنوان می‌دارد سیدعباس رفیعی (رئیس دفتر آقای موسوی‌خوئینی‌ها، دادستان وقت کل کشور) به خود او (علی‌اصغر کیمیایی) زنگ زده و درخصوص این نامه سؤال کرده است. چرا تا به این حد روایات از طرف بیت آیت‌الله منتظری هم مخدوش است؟**

در اینجا دو روایت وجود دارد. یک روایت از طرف آیت‌الله منتظری است که در مصاحبه سال ۸۵ با بی‌بی‌سی مطرح کردند. در آن زمان سیدمهدی هاشمی چون به دلیل پرونده‌های قبلی بیم دستگیرشدن خود را داشت سعی کرد با افشای این مذاکرات، جنجال و حاشیه‌ای را در کشور ایجاد کند تا فشار از روی او برداشته شود و نهایتا آزاد شود. به همین دلیل آیت‌الله منتظری نگران شد و دست به افشای مذاکرات زد. من اینجا نقل‌قول افراد را روایت می‌کنم و خودم نظر شخصی ندارم. سیاوش کسرایی سیاسی با تخریب فرد و جریانی، مسائل را از نگاه تاریخی باهم بررسی می‌کنیم.

◆ **دقیقا همین‌طور است؛ نگاه ما کاملا تاریخی است. به موضوع تکرانی آیت‌الله منتظری بابت تحرکات هاشمی‌رفسنجانی برای رهبری روزان بسامام اشاره کردید. آیا همین نکته سبب شد روزنامه الشراع هم تیتر «نزاع بین منطق انقلابی و منطق کشورداری» را با دو عکس از هاشمی‌رفسنجانی و منتظری انتخاب کند؟**

من در همین باره کفت‌وگویی با محمد هاشمی داشتم و عبارت ایشان را می‌بینند که گفته بود که تیتر یک اینگونه و شخص آیت‌الله منتظری این ارزیابی را پیدا کرده بود که امکان دارد ادامه این مذاکرات باعث قوی‌ترشدن وزن مرحوم هاشمی‌رفسنجانی شود. با این هدف که به شدت مدیریت شرایط بعد از دوران امام باشد. از آن سو به‌هرحال مرحوم هاشمی‌رفسنجانی دوبرد باانبوذ در انقلاب بود که نقش سیدمهدی هاشمی و سپس آیت‌الله منتظری در افشای مذاکرات علی‌اکبر سبب حذف ایشان در سال ۶۸ شد که ضرب توجیهی برای افشای آن اتفاقات این (۶۸) باعث و این‌گونه قلمداد شد که سیدمهدی هاشمی در افشای مذاکرات سال ۶۸ به نقش بیت آیت‌الله و سیدمهدی هاشمی در افشای مذاکرات علی فارلین می‌گردد.

◆ **یک سؤال دیگر برای من مطرح است. آیا شما با آقای فلاحیان یا رازینی گفت‌وگویی داشتید که اعتبارسنجی درخصوص افشای علی‌اصغر کیمیایی بیرامون نقش سیدمهدی هاشمی در افشای مذاکرات مک فارلین صورت گیرد؟**

خیر. اما باز هم تکید دارم که اولا و اساسا با توجه به مطالعه‌ای که روی پرونده سیدمهدی هاشمی داشتم و همچنین گفته‌های خود آقای کیمیایی و دیگر اسناد به همرکی دال بر اینکه در روند دادرسی و محاکمه سیدمهدی هاشمی اشاره‌ای به پرونده علی فارلین و نقش او در افشای مذاکرات شده باشد. وقتی شده‌اند. واقعا لطف دستگیری، محاکمه و اعدام سیدمهدی هاشمی هیچ ارتباطی به نقش او در افشای مذاکرات علی فارلین نداشت. از طرف دیگر ما نباید مرتبط سقوط هواپیمای سی‌آی‌ای در نیکاراگوا را که حامل محموله‌های سلاح برای شورشیان کنترا بود، در ارتباط مذاکرات مک فارلین قلمداد نباید بکنیم. به هر حال یک نفر از این هواپیما این سالم به در برد و علی مصاحبه‌ای اعتراف کرد دولت رئیس‌جمهور ایران و حتی بودن اطلاع کنگره آمریکا محموله‌های تسلیحاتی را در اختیار این شورشیان برای سافکاوندن دولت نیکاراگوئه قرار داده که پول آن از طریق سود محموله‌های تسلیحاتی ایران و آمریکا حاصل شده است. این مسئله در افشای روند مذاکرات علی فارلین نقش جدی داشت. پس نباید همه‌چیز را به سیدمهدی هاشمی ربط داد. مجموعه عمل انتقال کنار هم می‌شود.

◆ **داستان افشاگری روزنامه الشراع فقط به مذاکرات مک فارلین و کانال ۱ باز می‌گردد که...**

بله چون آن زمان که بعد از سقوط هواپیما در نیکاراگوئه و همچنین افشاگری روزنامه لبنانی فقط مذاکرات مک فارلین بومل مدنه و کانال دوم کماکان در جریان بود. البته آمریکایی‌ها از سفر موسوی را تکذیب می‌کردند و...

◆ **گویا علی هاشمی به نقل از فریدون وردی‌نژاد می‌گوید که آمریکایی‌ها از ایران درخواست کرده بودند که کل مذاکرات را تکذیب کنند.**

بله. اما بعد از آنکه موضوع افشا مبنی شود. نهایتا مرحوم هاشمی‌رفسنجانی در خطبه‌های نماز جمعه ۱۳ آبان سال ۶۷ به مذاکرات صورت‌گرفته کانال ۱ اشاره می‌کند و بیشتر مبنی بر اینکه سلمان رحیم‌صوفی اطلاعات مذاکرات را به مسوولین‌ردیابی شده است. ندارم.

◆ **در این بین تحرکاتی در قم از سوی آقای هاشمی‌رفسنجانی مطرح است؟**

در چه رابطه‌ای؟

◆ **درباره تهدید برخی افراد مبنی بر درز مذاکرات مک‌فارلین و ابطه...**

بله. طبق برخی روایات تاریخی بعد از آنکه به مرحوم هاشمی‌رفسنجانی اطلاع داده می‌شود در قم عده‌ای به دنبال افشای مذاکرات هستند، عنوانی می‌کند اگر کسی در این رابطه افشاگری کند، حکم اعدام می‌گیرد. البته چند دهه بعد دفتر مرحوم هاشمی‌رفسنجانی کتابی به قلم پسرش، محسن هاشمی منتشر می‌کند که این ادعا را منکر می‌شود که البته بر اساس گفته‌های وردی‌نژاد و مرحوم کنگرلو یک روایت یک‌طرفه است.

◆ **علاقه دارم به کروبی‌ها (مهدی و حسن کروبی) هم بپردازم که کمتر از آنها نام برده شد. حسن کروبی که اصلا تا لحظه مرگ جزیری در رابطه با نقش خود و برادرش (مهدی) درباره مذاکرات نگفت. واقعا طبق اسناد حتی پیش‌تر از مجموعه هاشمی، قربانی‌فر و مایکل لدین این حسن و مهدی کروبی بوده‌اند که موتور مذاکرات را روشن کرده‌اند. بنابراین شاید سؤالم طولانی شود اما باید به این اسناد اشاره کنم. پس از انتشار گزارش کنگره ایالات متحده درباره مذاکرات محرمانه ایران و آمریکا برای آزادی گروگان‌ها، روبرت باری کتابی نوشت با نام «اکتبر سورپرایز» که مبتنی بر مستندات کمیته تحقیق است. به ادعای باری، ویلیام کیسی رئیس ستاد انتخاباتی رونالد ریگان، نگران از احتمال موفقیت جیمی کارتر در مذاکرات آزادی گروگان‌های آمریکایی، از جمشید هاشمی، تاجر ایرانی می‌خواهد که ترتیب ملاقاتی بین او و یکی از مقامات ایرانی را در مادرید بدهد. حسن کروبی آن زمان در آلمان بود که بخش مشترک است. آیا منظورتان موضوع فرار از معاملات تسلیحاتی و آزادی گروگان‌های لبنانی، رهبری‌فضای رفسنجانی است؟**

آیت‌الله منتظری در خاطراتش نقل می‌کند، «آقایان برای خرید اسلحه روابط مخفیانه‌ای با آمریکایی‌ها برقرار کرده بودند و رابرت مک فارلین، مشاور رئیس‌جمهور آمریکا و همکاران او به‌طور مخفیانه و پاسیورت جعلی وارد کشور شدند. سپس با نامه‌های آقای منوچهر قربانی‌فر این مسئله برای ما برملا شد. آقای قربانی‌فر قبلی نامه‌های خود به آقای کیمیایی (آقای فتح‌الله امید نجف‌آبادی به پسیلیه آقای کیمیایی) برای من فرستاد و جلد جریان علی فارلین در بیت ما مطرح شد».

◆ **آیت‌الله منتظری در خاطراتش می‌گوید «من بعد از مطرح شدن موضوع به آقای کیمیایی و علی هاشمی داشتم و عبارت ایشان را می‌بینند که گفته بود که تیتر یک اینگونه و شخص آیت‌الله منتظری این ارزیابی را پیدا کرده بود که امکان دارد ادامه این مذاکرات باعث قوی‌ترشدن وزن مرحوم هاشمی‌رفسنجانی شود. با این هدف که به شدت مدیریت شرایط بعد از دوران امام باشد. از آن سو به‌هرحال مرحوم هاشمی‌رفسنجانی دوبرد باانبوذ در انقلاب بود که نقش سیدمهدی هاشمی و سپس آیت‌الله منتظری در افشای مذاکرات علی‌اکبر سبب حذف ایشان در سال ۶۸ شد که ضرب توجیهی برای افشای آن اتفاقات این (۶۸) باعث و این‌گونه قلمداد شد که سیدمهدی هاشمی در افشای مذاکرات مک فارلین بومل مدنه و نقش بیت آیت‌الله و سیدمهدی هاشمی در افشای مذاکرات علی فارلین می‌گردد.**

◆ **یک سؤال دیگر برای من مطرح است. آیا شما با آقای فلاحیان یا رازینی گفت‌وگویی داشتید که اعتبارسنجی درخصوص افشای علی‌اصغر کیمیایی بیرامون نقش سیدمهدی هاشمی در افشای مذاکرات مک فارلین صورت گیرد؟**

خیر. اما باز هم تکید دارم که اولا و اساسا با توجه به مطالعه‌ای که روی پرونده سیدمهدی هاشمی داشتم و همچنین گفته‌های خود آقای کیمیایی و دیگر اسناد به همرکی دال بر اینکه در روند دادرسی و محاکمه سیدمهدی هاشمی اشاره‌ای به پرونده علی فارلین و نقش او در افشای مذاکرات شده باشد. وقتی شده‌اند. واقعا لطف دستگیری، محاکمه و اعدام سیدمهدی هاشمی هیچ ارتباطی به نقش او در افشای مذاکرات مک فارلین نداشت. از طرف دیگر ما نباید مرتبط سقوط هواپیمای سی‌آی‌ای در نیکاراگوا را که حامل محموله‌های سلاح برای شورشیان کنترا بود، در ارتباط مذاکرات مک فارلین قلمداد نباید بکنیم. به هر حال یک نفر از این هواپیما این سالم به در برد و علی مصاحبه‌ای اعتراف کرد دولت رئیس‌جمهور ایران و حتی بودن اطلاع کنگره آمریکا محموله‌های تسلیحاتی را در اختیار این شورشیان برای سافکاوندن دولت نیکاراگوئه قرار داده که پول آن از طریق سود محموله‌های تسلیحاتی ایران و آمریکا حاصل شده است. این مسئله در افشای روند مذاکرات علی فارلین نقش جدی داشت. پس نباید همه‌چیز را به سیدمهدی هاشمی ربط داد. مجموعه عمل انتقال کنار هم می‌شود.

◆ **داستان افشاگری روزنامه الشراع فقط به مذاکرات مک فارلین و کانال ۱ باز می‌گردد که...**

بله چون آن زمان که بعد از سقوط هواپیما در نیکاراگوئه و همچنین افشاگری روزنامه لبنانی فقط مذاکرات مک فارلین بومل مدنه و کانال دوم کماکان در جریان بود. البته آمریکایی‌ها از سفر موسوی را تکذیب می‌کردند و...

◆ **گویا علی هاشمی به نقل از فریدون وردی‌نژاد می‌گوید که آمریکایی‌ها از ایران درخواست کرده بودند که کل مذاکرات را تکذیب کنند.**

بله. اما بعد از آنکه موضوع افشا مبنی شود. نهایتا مرحوم هاشمی‌رفسنجانی در خطبه‌های نماز جمعه ۱۳ آبان سال ۶۷ به مذاکرات صورت‌گرفته کانال ۱ اشاره می‌کند و بیشتر مبنی بر اینکه سلمان رحیم‌صوفی اطلاعات مذاکرات را به مسوولین‌ردیابی شده است. ندارم.

◆ **در این بین تحرکاتی در قم از سوی آقای هاشمی‌رفسنجانی مطرح است؟**

در چه رابطه‌ای؟

◆ **درباره تهدید برخی افراد مبنی بر درز مذاکرات مک‌فارلین و ابطه...**

بله. طبق برخی روایات تاریخی بعد از آنکه به مرحوم هاشمی‌رفسنجانی اطلاع داده می‌شود در قم عده‌ای به دنبال افشای مذاکرات هستند، عنوانی می‌کند اگر کسی در این رابطه افشاگری کند، حکم اعدام می‌گیرد. البته چند دهه بعد دفتر مرحوم هاشمی‌رفسنجانی کتابی به قلم پسرش، محسن هاشمی منتشر می‌کند که این ادعا را منکر می‌شود که البته بر اساس گفته‌های وردی‌نژاد و مرحوم کنگرلو یک روایت یک‌طرفه است.

◆ **علاقه دارم به کروبی‌ها (مهدی و حسن کروبی) هم بپردازم که کمتر از آنها نام برده شد. حسن کروبی که اصلا تا لحظه مرگ جزیری در رابطه با نقش خود و برادرش (مهدی) درباره مذاکرات نگفت. واقعا طبق اسناد حتی پیش‌تر از مجموعه هاشمی، قربانی‌فر و مایکل لدین این حسن و مهدی کروبی بوده‌اند که موتور مذاکرات را روشن کرده‌اند. بنابراین شاید سؤالم طولانی شود اما باید به این اسناد اشاره کنم. پس از انتشار گزارش کنگره ایالات متحده درباره مذاکرات محرمانه ایران و آمریکا برای آزادی گروگان‌ها، روبرت باری کتابی نوشت با نام «اکتبر سورپرایز» که مبتنی بر مستندات کمیته تحقیق است. به ادعای باری، ویلیام کیسی رئیس ستاد انتخاباتی رونالد ریگان، نگران از احتمال موفقیت جیمی کارتر در مذاکرات آزادی گروگان‌های آمریکایی، از جمشید هاشمی، تاجر ایرانی می‌خواهد که ترتیب ملاقاتی بین او و یکی از مقامات ایرانی را در مادرید بدهد. حسن کروبی آن زمان در آلمان بود که همراه با هاشمی به مادرید رفت و در هتل پلازا اقامت کرد و مهدی کروبی هم در سفارات ایران در مادرید بود. باری مدعی است که کسی با حد و کروبی در مادرید ملاقات کرده و به آنها گفته علاقه‌مند است گروگان‌ها آزاد بشوند اما بعد از مراسم تحلیف ریگان به عنوان رئیس‌جمهور، مابازای آن ارسال اسلحه به ایران بود. این ادعا‌ها هرگز تایید یا تکذیب نشد؛ نیوزویک و نیویارک‌تایمز سفر کیسی به مادرید و دیدار او با ایرانی‌ها را تکذیب کردند و حتی روزنامه کیهان در شماره آگوست ۱۹۹۱ نوشت که کیسی در جولای ۱۹۸۰ با مهدی کروبی در هتلی در مادرید ملاقات کرده است و باری نیز ادعا کرده است ملاقات دوم کیسی در سفارت ایران با مهدی کروبی و حسن کروبی، ترتیب داده شده بود. مهدی بازرگان هم در مصاحبه بیشینه‌ای با به مجموعه‌خواهان داده بود. مهدی بازرگان در مصاحبه بیشینه‌ای با به مجموعه‌خواهان ادعا کرده بود که کروبی خبر مواقف بخارستشاخته شده و دیش‌شرط‌های ایران برای صدور قطع‌نامه و آتش‌بس توسط صدام حسین پذیرفته شود. به باور شما مذاکرات مک فارلین، معاملات تسلیحاتی صورت‌گرفته و ادعاهای آقای آیت‌الله کروبی روند جنگ دشوارتر آیا آن‌گونه که هاشمی و کنگرلو می‌گویند اگر این مذاکرات افشا نمی‌شد صدام قطع‌نامه در جریان بود؟ چون به نظر می‌رسد که عملیات والفجر ۸ در بهمن ۱۳۶۴ که به فتح فاو در مرحله اول منجر شد از همین معاملات‌های تسلیحاتی پشت پرده ایران و آمریکا بیرون آمده که در صورت ادامه می‌توانست هاشمی و به هاشمی بیروی مدنظر برای خاتمه جنگ در ۲۷ اکتبر ۱۹۸۵ در زنو اتفاق بیرساند و دیگر شاهد اتمام جنگ تا سال ۶۷ و نیز لغول فوق ایران و نهایتا پذیرش قطع‌نامه تحمیلی نباشیم؟**

این سؤال شما به نظر مهم‌ترین سؤال مصاحبه است و از جهات مختلف باید به آن پاسخ داده شود. اولا به باور من آنچه مرحوم هاشمی‌رفسنجانی با مرحوم کنگرلو در گفت‌وگو با مصاحبه روزنامه «شرق» عنوان داشتند نزدیک به واقعیت است. چون طبق اسنادی که از کمیته تفر و کمیته سنا است و همچنین خاطرات و روایات دیگر از مقامات آمریکایی از جمله در کتاب خاطرات «دیوید کریست» با عنوان «کرو و مبنی روابط آمریکا و ایران» که سال ۲۰۱۳ منتشر شد، مستقیما به این نکته اشاره می‌کند و فکر نبوده است محموله‌های تسلیحاتی که آمریکا در اختیار ایران قرار داده باعث برتری میدانی ایران در جنگ تحمیلی قرار دارد و می‌تواند تا پشت دروازه‌های بصره هم پیش بیرود. ازاین‌رو مرحوم هاشمی‌رفسنجانی در مقاطع مختلفی تا سال ۶۶ می‌توانست جنگ را تمام کند که پشت بالاتر را داشته باشد. اما این کار را نکرد و نهایتا سال ۶۷، مرحوم هاشمی در بدترین نقطه ممکن جنگ را تمام کرد و قطع‌نامه را پذیرفت.

◆ **نکته مهم‌تر به تاثیر افشای مذاکرات مک فارلین و معاملات تسلیحاتی ایران و آمریکا بر تحولات میدانی در پذیرش قطع‌نامه بازمی‌گردد. این اتفاق چگونه روند جنگ را به تحولات سال ۶۷ کشاند؟**

به نکته مهمی اشاره کردید. بعد از افشای ماجرای مک فارلین و معاملات تسلیحاتی پشت پرده ایران و آمریکا، آبروی دولت ریگان در منطقه رفته بود. به هر حال ریگان در ظاهر شعار مبارزه با انقلاب اسلامی ایران را سر می‌داد و در پشت پرده معامله تسلیحاتی با ایران داشت که موجب شد برای دلجویی از رژیم بعث، همکاری جدی تسلیحاتی، امنیتی و اطلاعاتی با وی داشته باشد. به همین دلیل دست غرق در تحولات میدانی در سال‌های منتهی به پایان جنگ بالا رفت. البته خود صدام حسین هم بعد از افشای مذاکرات مک فارلین و معاملات تسلیحاتی ایران در این خصوص شوکه شد. صدام حسین در فایل صوتی منتشرشده از او که عبارت رنجت از در مورد ایران به یاد می‌برد. از طرف دیگر کشورهایی عربی منطقه مانند عربستان، کویت، قطر، بحرین و امارات هم بیم آن را داشتند که آمریکایی‌ها پشت کشورهای عربی را خالی کنند و روی خوشی به ایران نشان بدهند و مذاکرات را با طرف ایرانی پیش ببرند. به همین دلیل، هم آمریکایی‌ها و هم کشورهای عربی تمام توان خود را در دفع تمام‌قد از رژیم بعث در جنگ ایران و عراق می‌گذاردند. اتفاقا در همین باره یکی از سناریوهایی که باعث لورفتن عملیات کربلای ۴ شد به حمایت‌های اطلاعاتی آمریکا از رژیم بعث بازمی‌گردد که تصاویر ماهواره‌ای از عملیات را در اختیار صدام قرار داد. به هر حال دولت ریگان با این اقدام سعی کرد یک اعاده حیثیتی از خود داشته باشد.

◆ **پس با این تفاسیر می‌توان جراح تقابل ایران و آمریکا در سال‌های ۶۴ و ۶۷ به واسطه حک نقشتان‌ها را توجیه کرد؛ اینکه جلوی سال‌های ۶۴ و ۶۵ معاملات تسلیحاتی و مذاکرات علی‌اکبر درون تهران و واشنگتن جلو می‌رود. اما سال‌های ۶۶ و ۶۷ شاهد تغلظ رنگامی و درگیری دو کشور در فضای طرف هستیم که...**

دقیقا. نمونه در ادامه حماسه‌های آمریکا از عراق بر تظهر واشنگتن در مذاکرات مک فارلین. شاهد آن بودیم که در اواخر سال ۶۶ رسما خود آمریکا وارد جنگ با ایران شد. همه اینها معنی‌ار است. اگر گفت‌وگوهای مک فارلین و مذاکرات انجام‌شده در صورت انتشار بیش نمی‌رفت و سوءمحاسبه‌هایی را در مرحوم هاشمی‌رفسنجانی و دیگر مقامات داخلی ایجاد نمی‌کرد، شک نداشته باشید سرنوشت جنگ طور دیگری رقم می‌خورد. اما هر تکید می‌کنم به این مسئله مذاکرات مک فارلین یا پرونده ایران - کنترا یک نقشه هوشمندانه توسط خود اسرائیل بود که بتواند با ایجاد معاملات تسلیحاتی یک توازن بین ایران و عراق در جنگ ایجاد کند که یک جنگ فرسایشی بین دو کشور شکل بگیرد. از طرف دیگر یای ریگان و اجرای آن هم به تحولات منطقه و نکته که نهایتا شاهد بودیم در سال ۶۷ دگرگونی جدی بین خود آمریکا و ایران در خلیج فارس شکل گرفت و بهترین قضا را برای اسرائیل ایجاد کرد. پس اسرائیل در پشت مذاکرات را کلید زد و معاملات تسلیحاتی را از طریق معرفی قربانی‌فر به آمریکا پیش برد و در نقطه مهمی هم مذاکرات قطع شد که آمریکا در منطقه گرفتار شود تا مجبور به حمایت از عراق شود. اما چیزی که اسرائیل تصور آن را نمی‌کرد این بود که افشای این مذاکرات در داخل ایران کنترل شود.

◆ **یعنی به باورتان اسرائیل به عمد علاج پایان‌دادن به معاملات تسلیحاتی تهران- واشنگتن شد؟! که چه بشود؟!**

تکرار و تاکید می‌کنم که اسرائیل در یک نقطه این مذاکرات را کلید زد و معاملات تسلیحاتی را از طریق معرفی قربانی‌فر به آمریکا پیش برد و در نقطه مهمی هم مذاکرات قطع شد که آمریکا در منطقه گرفتار شود تا مجبور به حمایت از عراق شود. اما هم‌زمان اسرائیل این تصور را هم داشت که فاش‌شدن مذاکرات مک فارلین باعث فروپاشی داخلی در ایران می‌شود. به هرحال قرارداد الجزایر بزرگ «واترگیت» که منجر به استیضاح و برکناری نیکسون شد، پرونده ایران - کنترا با «ایران‌گیت» تا مرز استیضاح و برکناری پیش رفت. اما این پرونده سیاسی در داخل ایران به وجود نیامد و جلوگیری از وقوع تصور اسرائیل صورت آشوب سیاسی-اجتماعی در داخل ایران شد.

◆ **اینکه فشار جدی روی ریگان و مک فارلین بود و داشت. درست است. اما طبق برخی روایات فشار بیشتر مستقیم روی مک فارلین و خودکشی ولیورلورت بیشتر تمایلش خودکشی برای عبور از بحران و کاهش فشار بوده است. شما به مدرکی دال بر این مسئله رسیدید؟**

خیر. اینکه فشار و حتی ناراحتی و استیضاح جدی بود یا نه؟ به کاملا جدی بود. عنوان داشتند که بعد از قضیه واترگیت، افشای مذاکرات مک فارلین به عنوان «ایران‌گیت»، دومین زلزله بزرگ سیاسی را در آمریکا به دنبال داشت که تا مرز بازگرایی ریگان هم پیش رفت و مک فارلین و اولیور نورث هم دست به خودکشی زدند؛ بنابراین فشار جدی روی ریگان و مک فارلین بود. اما اینکه مک فارلین یا نورث به دنبال نمایش خودکشی بوده‌اند و یا واقعا خودکشی کرده‌اند، من نمی‌توانم در این باره نظر قطعی بدهم.

◆ **شما اگر حدف اصلی مذاکرات مک فارلین و معاملات تسلیحاتی قربانی‌فر، تقویت جایگاه هاشمی‌رفسنجانی بوده است و سعی شده ایشان به عنوان گزینه جدی دوران پس از امام به عنوان رهبر مطرح باشند. پس عملیات